

Non-institutionalization of parties in Iran and its impact on the future of elections¹

Zohreh Mohammadi

Master's, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (Corresponding Author).
zohreh_mohammadi_1389@yahoo.com

Mohammad Bavand Puri

Ph.D. Regional studies, Imam Hossein University, Tehran, Iran. bavand.mohammad@yahoo.com

Mohammad Rahim Eaivazi

Professor, Shahed University, Tehran, Iran. ra.eivazi@yahoo.com

Abstract

The present study with an analytical-descriptive method and using futures studies technique and scenario-writing approach sought to investigate the factors of non-institutionalization of parties in Iran and its impact on the future of the 1400 elections. The results show that the lack of institutionalization of parties in Iran will have the following effects on the future of the 1400 elections, which can be proposed in the form of several scenarios: first, the selection of unqualified people due to lack of electoral training, Second, the impact of NGOs on elections, third, reduction of electoral participation due to lack of popular parties; fourth, misuse of political participation in elections by the opposition.

Keywords: Parties, Elections, Presidential Elections, Political Groups, Iran.

نهادینه نشدن احزاب در ایران و تاثیر آن بر آینده انتخابات^۱

زهره محمدی

کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول). zohreh_mohammadi_1389@yahoo.com

محمد باوند پوری

دکتری مطالعات منطقه، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران. bavand.mohammad@yahoo.com

محمد رحیم عیوضی

استاد، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. ra.eivazi@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و بهره‌گیری از تکنیک آینده‌پژوهی و رویکرد سناریونگاری درصد بررسی عوامل نهادینه نشدن احزاب در ایران و تاثیر آن بر آینده انتخابات سال ۱۴۰۰ بود. نتایج حاکی از آن است که عدم نهادینگی احزاب در ایران، تاثیرات ذیل را بر آینده انتخابات سال ۱۴۰۰ خواهد داشت که در قالب چند سناریو قابل طرح است:

- اول، گزینش افراد فاقد صلاحیت به دلیل عدم آموزش انتخاباتی،
- دوم، تاثیرگذاری سازمان‌های مردم‌نهاد بر انتخابات،
- سوم، کاهش مشارکت انتخاباتی به دلیل فقدان احزاب مردمی،
- چهارم، سوءاستفاده مخالفان از مشارکت سیاسی انتخاباتی،
- پنجم، شخصیت‌محور شدن انتخابات.

کلیدواژه‌ها: احزاب، انتخابات، انتخابات ریاست جمهوری، گروه‌های سیاسی، ایران.

۱. مقدمه

از جمله ویژگی‌های بارز جوامع امروزی، نقش‌آفرینی نهادها و گروه‌های اجتماعی در عرصه‌های مختلف است که از مهم‌ترین این نهادها احزاب می‌باشند. احزاب در واقع از ابداعات و ابتکارات نظام‌های سیاسی مدرن هستند که منسجم‌ترین نهاد رقابت در خدمت نظام سیاسی محسوب می‌شوند و دارای کارویژه‌های مختلفی همچون جامعه‌پذیری سیاسی، آموزش سیاسی به شهروندان، تاثیرگذاری بر انتخابات می‌باشند که از مهم‌ترین کارویژه آنها تاثیرگذاری بر انتخابات است. عدم توجه به احزاب سیاسی برای جوامع خواهان توسعه سیاسی می‌تواند تهدید و بحران‌ساز باشد و به میزان اهمیت جوامع مختلف به امر مشارکت، این بی‌توجهی دامنه‌ی تهدیدات را گسترده‌تر خواهد کرد. جامعه ایران از دیرباز و خصوصاً بعد از انقلاب اسلامی دلالت بر افزایش سطح گسترده‌ای از تمایل مردم به امر مشارکت سیاسی و تعیین سرنوشت آینده‌ی خود بوده و هست، این مطلب مسائل جامعه‌شناسی ایران را در ابعاد مختلف نمایان می‌نماید. مرور شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران به ویژه از عصر مشروطه به بعد، نشان دهنده این است که احزاب پیکارگونه متولد می‌شوند که البته این مورد معلول عوامل مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی بوده که ساختار قدرت سیاسی و پایین بودن سطح آگاهی‌های مردمی هم در ایجاد چنین شرایطی بی‌تاثیر نبوده است. در همین دوران مسئله قابل توجه، وجود شکاف فزاینده بین احزاب سیاسی که تمایل به منحرف شدن، کنترل شدن از سوی دولت با تمایل گسترده مردم به امر مشارکت سیاسی است که نقطه اوج و تجلی آن را در انقلاب اسلامی می‌توان مشاهده کرد. پیش از انقلاب اسلامی احزاب به صورت بیمار گونه‌ای توسعه پیدا کردند که این امر موجب نهادینه نشدن آنان گردید و همین امر پیامدهای منفی زیادی به دنبال داشته است.

نگاه به کار ویژه‌های احزاب سیاسی نشان می‌دهد که می‌توان دستاوردهای بسیاری را در فعالیت‌های قانون‌مند احزاب سیاسی به دست آورد که در توسعه سیاسی جامعه اثرگذار باشد. اما عدم نهادینه شدن احزاب، فرصت اثربخشی حزب در ایران را منتفی نموده و پیامدهای ناشی از آن به سوی استفاده از مردم منجر گردیده است.

بنابراین، بعد از انقلاب اسلامی بنا به دلایلی همچون رقابت‌های خارج از قانون نظام‌مند کشور و عدم اهتمام جامعه‌شناسان و مسئولان به مسئله مهم احزاب و رویدادهای مهم فشارساز کشور و فعالیت‌های اپوزیسیون خارج از کشور با حمایت قدرت‌های بزرگ، باعث شده است که انتظاری

که از انقلاب اسلامی می‌رفت که در آن احزاب با ماهیت انقلابی پرورش پیدا کنند، حاصل نشود.

بر این اساس امروز با توجه به مشارکت مردم در انتخابات و عدم نهادینه شدن احزاب و تشکل‌ها، تهدیداتی را می‌توان در آینده پیش‌بینی کرد که لازمه مطالعات پژوهشی و آینده‌پژوهانه‌ای می‌باشد که بتوان در شناسه‌ی آینده‌ای باشیم که ناشی از پیامدهای نهادینه‌یافتگی احزاب سیاسی خواهد بود.

۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

از دلایل اهمیت موضوع مورد مطالعه پژوهش حاضر این است که عدم نهادینگی احزاب سیاسی با مفاهیم مشارکت سیاسی و انتخابات پیوند می‌خورد و بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، انتخابات صحنه مشارکت مردم در ساخت سیاسی کشور بوده است. احزاب سیاسی با توجه به کارکردهایی که برایشان تعریف شده و از آنها انتظار می‌رود، در جریان انتخابات است که قدرت را در دست می‌گیرند و خواسته و مطالبات مردم را تحقق می‌بخشند. بنابراین، عدم نهادینگی احزاب سیاسی و تاثیر آن بر انتخابات آینده مسئله‌ای است که حیات اجتماعی و سیاسی جامعه را عمیقاً تحت تاثیر قرار می‌دهد و اگر این مسئله واکاوی نشود، احتمالاً منجر به بروز بحران‌های متعددی در نظام شود.

۳. سوالات پژوهش

سوال اصلی: نهادینه نشدن احزاب در ایران چه تاثیری بر انتخابات سال ۱۴۰۰ ریاست جمهوری خواهد داشت؟

سوالات فرعی: روند شکل‌گیری و گسترش احزاب در ایران چگونه بوده است؟

دلایل نهادینه نشدن احزاب در ایران چیست؟

نقش و جایگاه انتخابات در فرایند جامعه سیاسی ایران چگونه بوده است؟

۴. مفهوم‌شناسی

۴-۱. حزب

درباره تعریف حزب میان اندیشمندان علوم سیاسی مانند بسیاری از تعاریف و مفاهیم دیگر علوم اجتماعی اتفاق نظر وجود ندارد، زیرا این مفهوم در گذر زمان متحول شده و البته در یک زمان

و مکان معین نیز معانی دیگری به خود گرفته است. بنابراین، هر پژوهشگر و اندیشمندی از زوایه دید خویش و منطبق با برداشت‌های علمی و یافته‌های تجربی خویش، حزب را تعریف می‌نماید (میرخلیلی، ۱۳۹۴، ص ۴). ادمونک برک^۱ حزب سیاسی را چنین تعریف کرده است: «هیئتی از مردم است که به خاطر پیشبرد منافع ملی یا کوشش مشترک براساس برخی اصول سیاسی مورد توافق متحد شده‌اند». به عقیده گتل^۲ «حزب سیاسی مرکب از گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان یافته است که به عنوان یک واحد سیاسی عمل می‌کنند و با استفاده از حق رأی خود می‌خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاست‌های عمومی خود را عملی سازند». از نظر لیلاک^۳، حزب سیاسی «گروه کم و بیش سازمان یافته شهروندانی است که به عنوان یک واحد سیاسی با هم عمل کنند، در مسائل عمومی عقاید مشترکی دارند و با استفاده از اختیار رأی در راستای هدفی مشترک می‌کوشند بر حکومت تسلط یابند» (عالم، ۱۳۹۱، ص ۳۴۴).

می‌توان حزب سیاسی را به طور کلی چنین تعریف کرد: حزب گردهمایی پایدار گروهی از مردم است که دارای عقاید مشترک و تشکیلات منظم بوده و با پشتیبانی مردم برای به دست آوردن قدرت سیاسی از راه‌های قانونی مبارزه می‌کنند (همان، ص ۳۴۵). بنابر دیدگاه پژوهش حاضر حزب مجموعه‌ای از افرادی است که در سازمانی تحت عنوان حزب گرد هم آمده و هدف اصلی‌شان دستیابی مسالمت‌آمیز به قدرت است.

۲-۴. انتخابات

انتخابات در لغت به معنای برگزیدن چیزی، برگزیدن کسی برای کاری، برگزیدن نماینده‌ای برای مجلس، انجمن شهر، حزب و انجمن‌های دیگر می‌باشد. انتخابات مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمان‌روایان و تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت تدبیر شده است، از این دیدگاه انتخابات به معنای فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین زمامداران و نمایندگان بوده و ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد. به عبارت دیگر، انتخابات «سازوکاری برای شکل‌گیری

1. Edmund Burke

2. Getel

3. Lilak

یک نظام سیاسی و انتخابات مقامات و نهادهای سیاسی است. با چنین نگرشی، انتخابات به عنوان ابزار و مکانیسم تصمیم‌گیری جمعی و در خدمت اراده مردم برای تاسیس حکومت و پر کردن کرسی‌های نمایندگی در نظام مردم‌سالاری می‌باشد» (باقری، ۱۳۹۲، ص ۱۰).

۵. آینده انتخابات

برآورد زمانی پژوهش حاضر تا انتخابات سال ۱۴۰۰ ریاست جمهوری است.

۶. نهادینه نشدن احزاب

منظور از نهادینه نشدن احزاب این است که احزاب به عنوان یک نهاد مستحکم اجتماعی در انتخابات مورد قبول واقع نشده است و احزاب قدرت و ظرفیت مدیریت بر فعالیت‌های انتخاباتی را ندارند و مورد پذیرش و اقبال نیستند. به همین خاطر است که در طول انتخابات احزاب اگر هم حضور داشته باشند از جایگاه جدی و رقابتی برخوردار نیستند.

۷. تاریخچه احزاب در ایران

حزب به مفهوم جمعیتی سیاسی، در ایران همچون بسیاری از جوامع سابقه‌ای طولانی و تاریخی دارد. این تجمع‌های سیاسی گاه مانند سرداران و فداییان اسماعیلی جنبه نظامی داشته و به صورت یک حزب یا تشکل سیاسی-نظامی فعالیت می‌کرده و گاه همچون اخوان‌الصفا سیاست را در کنار اندیشه و اصلاح اخلاقی و فلسفی شبیه ساخته و به شکل یک تشکل سیاسی-فرهنگی تبلور می‌یافته است. اما در واقع سابقه تحزب در ایران، به شکلی مشخص و در چارچوب تعاریف مرسوم و کنونی از احزاب، در ایران به صد سال می‌رسد و به دوره مشروطه بازمی‌گردد (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۳، ص ۶۱). دوره تحزب در ایران را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به قبل و بعد از انقلاب اسلامی تقسیم‌بندی کرد:

۷-۱. احزاب در ایران قبل از انقلاب اسلامی

دوره قبل از انقلاب اسلامی از انقلاب مشروطه شروع می‌شود، پس از پیروزی انقلاب مشروطه دو تشکل به نام‌های حزب اجتماعیون عامیون و دیگری حزب اجتماعیون اعتدالیون ظهور کردند. این دو حزب مهم‌ترین تشکل‌های تحول‌ساز حد فاصل مشروطه و سلطنت رضاخان بودند (شیرودی، ۱۳۸۲، ص ۴۸). با قبضه شدن قدرت به دست رضاشاه و تشکیل سلسله پهلوی برای نخستین بار، یک دولت فراگیر مقتدر و مرکزی به وجود آمد، به دنبال تخته قاپو کردن ایلات،

تاسیس ارتش نوین و سربازگیری اجباری، قلع و قمع همه شخصیت‌ها و حرکت‌های مخالف در مرکز و گوشه و کنار کشور، زیر سلطه درآوردن کامل مجلس و مطبوعات همگی سبب شد که زمینه و میدانی برای تداوم یا ظهور و حضور احزاب و تشکیلات سیاسی و نخبگان و سرآمدان فعال وجود نداشته باشد (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۸، ص ۵۳).

بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به علت پاره‌ای جریان‌ها و به وجود آمدن شرایط خاص در فضای سیاسی-اجتماعی کشور، در حقیقت شاهد پیدایش بیشترین احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران هستیم، به گونه‌ای که این دوره تحزب، از نظر کثرت و تنوع قابل مقایسه با ادوار پیش و پس از خود نمی‌باشد، زیرا به نحو بی‌سابقه‌ای بیش از شصت حزب و انجمن مهم در این دوره به فعالیت مشغول بودند. احزاب این دوره به رغم رسالتی که می‌بایست بر عهده می‌گرفتند، اکثراً فاقد حساسیت و التزام کافی جهت توجه به منافع کلی کشور بودند و حول اهداف و منافع فردی و شخصی، گروهی و طبقه‌ای و حتی نفوذ خارجی گردید. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بار دیگر جو خفقان، استبداد و رعب و وحشت در جامعه‌ی ایران ایجاد، و در نتیجه‌ی آن زمینه فعالیت احزاب محدود شد و پس از مدت کوتاهی احزاب دچار رکود یا فروپاشی کامل گردیدند. در این سال‌ها محمدرضا پهلوی به اقداماتی در زمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دست زد و سعی در بازسازی و نوسازی کشور به شیوه‌های متناسب با طرح و الگوهای غربی داشت. وی برای محدود کردن و در نهایت منکوب کردن مخالفت احتمالی مردم با نظام مستبد سیاسی خویش و احیاناً مخالفت آنها اقدام به انحراف رسالت اصلی احزاب و ایجاد احزاب دولتی و به عبارت دیگر اقدام به تاسیس احزابی دست‌نشانده و غیر خودجوش و مردمی کرد و آنها را در خدمت اهداف مطلقه‌ی خود قرار داد. به طور کلی با شکست قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و به دلیل افزایش خفقان رژیم شاه و همچنین بازتاب حرکت‌های مسلحانه در پاره‌ای از کشورهای جهان سوم، حرکت‌های غیر علنی با قبول مشی مبارزه‌ی مسلحانه در ایران در قالب تشکل‌ها و احزاب سیاسی، مذهبی، التقاطی ایجاد شد که پاره‌ای از آنها نیز موفق به اقدامات نظامی شده و برخی قبل از اقدام، سرکوب و دستگیر شدند و عملاً آخرین تجربه حزبی حاکم در رژیم پهلوی به حزب رستاخیز خلاصه شد که این حزب انحصاری واحد در سال ۱۳۵۷ منحل گردید (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸، ص ۳۷).

۲-۷. احزاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

در تحلیل تاریخ و عملکرد احزاب بعد از انقلاب اسلامی باید به این واقعیت اشاره کرد که

پيچيدگي‌هاي فراواني وجود دارد و به راحتی نمي‌توان در اين زمينه اظهارنظرهاي دقيقی کرد و منابع و تحقيقات بسيار ناچيزی در اين زمينه وجود دارند که بعضاً نيز اختلاف سلايق و ديدگاه را در ايجابی يا سلبی دانستن فعاليت اين احزاب نشان می‌دهد. پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی رژیم مستبد پهلوی، انرژی‌های نهفته عظیمی از شور و هیجان سیاسی، مذهبی و مردمی را آزاد ساخت و به دنبال گسترش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، صدها حزب و گروه در عرصه کشور به عرصه فعاليت قدم گزارده‌اند. در اين دوره سه طيف گسترده فعاليت داشتند که عبارتند از: احزاب ليبرال، گروه‌های چپ و هوادار سوسیالیسم، طيف مذهبی. با شروع جنگ تحمیلی بين سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۸ با اولويت‌دار شدن جنگ، فعاليت احزاب بسيار کم و يا حتی تعطيل شد. در نتيجه در اين دوره، دغدغه اصلی مسئله جنگ بود. به همين دليل، احزاب از توجه نظام کنار ماندند و حتی نظام، فعاليت‌های حزبی را مانع پیشرفت امور می‌دانست (ظریفی نیا، ۱۳۷۸، ص ۶۲). با به رياست جمهوری رسيدن هاشمی رفسنجانی بين سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ جوانه‌های ورود احزاب سياسی به عرصه سياسی و اقتصادی کشور زده شد و حزب سياسی مهمی چون حزب کارگران سازندگی وارد ميدان گرديد و گفتمان‌های جدیدی در فضای کشور مطرح شد (دلویی، ۱۳۸۵، ص ۵). در انتخابات رياست جمهوری هفتم (۱۳۸۴-۱۳۷۶)، حزب کارگران با ساير گروه‌ها، از جمله مجمع روحانيون مبارز و ائتلاف گروه‌های خط امام، متحد گرديد و با پیروزی غافل‌گیرکننده و غيرمنتظره، سيد محمد خاتمی به رياست جمهوری رسيد و احزاب و گروه‌ها به اصطلاح «اصلاح‌طلب» زمام امور کشور را در دست گرفتند. در انتخابات رياست جمهوری نهم، محمود احمدی‌نژاد به رياست جمهوری انتخاب گرديد. ايشان بر حرکت‌های حزبی و وام‌داری به احزاب، اعتقادی نداشت و نزد ايشان حرکت‌های مردمی و توجه به قاطبه‌ی ملت فارغ از چارچوب‌های تنگ حزبی، دارای اولويت بود. در اين دوره حرکت‌ها و جبهه‌های سابق، بعد از عدم کسب موفقيت لازم در عرصه انتخابات، دچار رکود شدند و ضمن بازنگری در رویه‌ها و عملکردهای گذشته و درس‌گیری از اشتباهات قبلی، سعی در سازماندهی مجدد و تشکيل اتحادها و ائتلاف‌های جديد حزبی آشکار و پنهان بودند.

رئيس جمهور محمود احمدی‌نژاد بارها وابستگی خودش را به احزاب انکار نموده است. به گفته‌ی ايشان «دولت نهم به جز خداوند به هيچ حزب و جناحی بدهکار نيست و...». به طور کلی فعاليت چشمگیری از احزاب در اين دوره به چشم نمی‌خورد و یکی از اقدامات رئيس جمهور

احمدی نژاد در خصوص احزاب، قطع یارانه تصویبی به احزاب بود (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸، ص ۴۰).

۸. کارکرد احزاب

کارکردها و کارویژه‌های احزاب، همواره موجد ثبات سیاسی و امنیت در هر نظام سیاسی بوده و به همین دلیل است که از آنها به ستون فقرات دموکراسی و جزء ضروری نظام‌های مردم‌سالاری یاد می‌شود. به تعبیر دیگر، از آنجا که در عمل انعکاس دیدگاه‌های یک به یک افراد جامعه وجود ندارد، از این رو احزاب ابزاری برای جمع‌بندی، انعکاس و سرانجام سعی در عملی ساختن نظرات مختلف در جامعه و در عین حال مانعی برای هرج و مرج فکری و وسیله‌ای برای تحقق بخشیدن به مشارکت سیاسی افراد جامعه و از لوازم و ارکان اصلی و اساسی حکومت دموکراسی به شمار می‌روند (مقتدایی، ۱۳۹۳، ص ۱۶). احزاب دارای کارویژه‌های زیادی هستند که در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره شده است:

۸-۱. جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که در آن شهروندان تحت تاثیر کانال‌های مختلف جامعه‌پذیری سیاسی (خانواده، مدرسه، نهادهای مذهبی، گروه‌های هم‌سال، رسانه‌های جمعی) از جمله احزاب سیاسی قرار می‌گیرند و دانش سیاسی، ارزش‌ها و احساسات آنها درباره نظام سیاسی، نهادها، ساختارهای سیاسی مربوط به آن در دوران مختلف زندگی شکل می‌گیرد. بنابراین، احزاب سیاسی می‌توانند نقش مهمی در تثبیت یا تغییر عناصر مهم فرهنگ سیاسی، نخبگان و توده‌ها داشته باشند (هرسیچ، ۱۳۸۱، ص ۱۸).

۸-۲. تجمع منافع

هرگاه گروه‌های ذی‌نفع عالی‌ترین و تنها شکل سازمان‌های سیاسی موجود در جوامع باشند، در آن صورت حکومت‌ها دستخوش نابسامانی و بی‌ثباتی زیادی خواهند شد. هر گروه ذی‌نفع سعی دارد حکومت را در جهت منافع و اهداف خود سوق داده و مقامات حکومتی را تحت نفوذ خود درآورد. در چنین حالتی ارزش‌ها، اهداف، یا ایدئولوژی‌های جامع و فراگیر چندانی وجود ندارد که بتوانند از حمایت عمومی و ملی برخوردار باشند. هر گروه تنها به فکر منافع خود خواهد بود. در حالی که احزاب سیاسی از طریق گرد آوردن یا تجمع منافع مستقل گروه‌های ذی‌نفع در چارچوب

سازمانی وسیع‌تر به کاهش یا تخفیف تضادهای گروه‌های ذی‌نفع کمک می‌کند (نوذری، ۱۳۸۱، ص ۸۷-۸۸).

۳-۸. ادغام سیاسی

احزاب سیاسی به موازات گرد آوردن گروه‌های ذی‌نفع تلاش می‌کنند تا گروه‌هایی را که تا پیش از این کنار گذاشته شده بودند، وارد نظام سیاسی سازند. غالباً احزاب به منظور افزایش قدرت خود برای کسب آراء در جریان مبارزات انتخاباتی از حضور گروه‌های جدید استقبال می‌کنند، و حتی در برنامه‌های حزبی خود جایی برای آنها در نظر می‌گیرند. این امر سبب می‌شود تا گروه‌های مذکور هم به لحاظ عملی و هم به لحاظ روانی به حمایت از کل نظام سیاسی برخیزند. اعضای حزب احساس هویت کرده و کارآیی و لیاقت خود و وفاداری به نظام را نشان می‌دهند (همان، ص ۸۹).

۴-۸. آموزش سیاسی به شهروندان

احزاب سیاسی به مردم اطلاعات سیاسی مهمی ارائه می‌دهند، آنها تاثیر مهمی بر آموزش، اطلاع‌رسانی به عموم دارند. احزاب سیاسی گفت‌وگوهای خاصی را با جامعه مدنی آغاز کرده و مردم را به بحث در مورد مسائل و اظهارنظر دعوت می‌کنند. در برخی از سیستم‌های حزبی در کشورهای اروپایی آموزش سیاسی شهروندان توسط احزاب حتی در قانون اساسی آنها تدوین شده است، به عنوان مثال در قانون آلمان، در قانون اساسی آمده است که احزاب باید به اطلاع‌رسانی درباره‌ی موضوعات سیاسی به شهروندان اقدام کنند و بودجه‌ای از دولت فدرال برای احزاب در نظر گرفته شده است تا آنها بتوانند وظایف آموزشی خود را دنبال کنند (welschenbach, 2010, P.9).

۵-۸. بسیج مردم جهت شرکت در انتخابات

یکی از بارزترین و مهم‌ترین کارکردهای احزاب سیاسی، تشویق مردم به رأی دادن است. در جریان مبارزات انتخاباتی، احزاب از طریق تبلیغات و ابزارهای مختلف تلاش می‌کنند تا مردم را به پای صندوق‌های رأی بکشانند. بدون این تبلیغات شاید بسیاری از شهروندان اصلاً توجهی به قضیه انتخابات از خود نشان ندهند. در حالی که تبلیغات حزبی می‌تواند در این زمینه بسیار مفید و موثر واقع گردد. این امر به نوبه خود باعث افزایش کارایی و مشروعیت نظام سیاسی خواهد شد (نوذری، ۱۳۸۱، ص ۹۰).

یکی از مهم‌ترین کارکرد احزاب، تاثیر آن بر انتخابات است، انتخابات، مهم‌ترین و بارزترین نوع مشارکت افراد در عرصه سیاسی می‌باشد که از یک‌سو، پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است.

۹. جایگاه انتخابات در جامعه سیاسی ایران

انتخابات، مهم‌ترین و بارزترین نوع مشارکت افراد در عرصه سیاسی است که از یک‌سو، پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است، زیرا در نظام‌های مردم‌سالار، رأی‌ها، واحدهای اساسی قدرت سیاسی هستند. انتخابات به مثابه یکی از حوزه‌های مردمی مشارکت سیاسی، بیانگر آن است که تعامل اراده مردم و رهبران سیاسی، تا چه حد می‌تواند کم هزینه، مشارکت‌جویانه و مسالمت‌آمیز باشد. این امر ضمن تداوم مبارزه و رقابت سیاسی در متن و ساخت جامعه، مقبولیت و مشروعیت نظام سیاسی و استمرار و اصلاح ساختار و عملکرد حکومت را به ارمغان می‌آورد. انتخابات، منظومه‌ای متشکل از اجزای مختلف است که اراده و خواست یک ملت در آن تجلی می‌یابد. رفتار انتخاباتی نیز نوعی کنش سیاسی است که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران با پس زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ارتباط دارد و از آنها تاثیر می‌پذیرد. برگزاری انتخابات آزاد، سالم و مبتنی بر قانون از مهم‌ترین شاخصه‌های آزادی و مردم‌سالاری در کشورهایی است که در آنها نهادهای برخاسته از مردم، ارکان اصلی تصمیم‌گیری بوده و کارگزاران آنها در غیاب مردم اجازه ندارند سرنوشت کشورشان را رقم بزنند. بنابراین، یکی از مولفه‌های مقبولیت نظام‌های سیاسی در سراسر جهان، میزان مشارکت سیاسی مردم در آن است. در نظام جمهوری اسلامی ایران براساس نظر و بیان امام خمینی که «میزان، رأی ملت است»، بنابراین، میزان مشارکت سیاسی در مقبولیت نظام سیاسی تاثیر دارد. تاکنون انتخاب‌های زیادی در ایران انجام شده است و در اصل سابقه تجربه اولین انتخابات در ایران به بهمن سال ۱۳۵۷ برمی‌گردد (عنایتی شبکلائی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۰).

۱۰. کارویژه‌های انتخابات

انتخابات دارای کارویژه‌های متفاوتی است، کارویژه‌ها در اصل نشان دهنده قابلیت‌هایی می‌باشد که یک مقوله در درون خود دارد. به طور کلی انتخابات دارای کارویژه‌های ذیل است:

نفس وجود انتخابات و برگزاری متناوب و منظم و ادواری آن یکی از نشانه‌های بارز مشارکت سیاسی و مردم‌سالاری می‌باشد. قاعده نمودن انتقال قدرت سیاسی از گروهی به گروه دیگر، ایجاد زمینه‌های لازم برای چرخش نخبگان، عاملی در فرهنگ‌سازی سیاسی، ابزار ایجاد و حفظ جامعه مدنی، مهم‌ترین مجرای تحقق حاکمیت (دارابی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۰-۱۰۱).

۱۱. نقش احزاب سیاسی در انتخابات

احزاب سیاسی ارتباط تنگاتنگی با انتخابات دارد. احزاب سیاسی به سازمان دادن به اندیشه‌ها و گرایش‌های سیاسی موجود در جامعه و در عین حالی که عامل تقسیم کردن و متشکل ساختن مردم به شاخه‌ها و بخش‌های گوناگون‌اند، عامل نزدیک کردن و تلفیق نمودن خرده گرایش‌های فردی و اجتماعی در قالب دکترین‌ها، ایدئولوژی‌ها و یا نظام‌های اندیشه‌ای کم و بیش منسجم می‌باشند. این معنی، طبعاً به مبارزه‌های انتخاباتی ابعاد عمیق‌تر می‌بخشد و معنی و مفهوم موضوعات مورد مبارزه را از شکل فردی و گاهی سطحی خارج کرده و به آن رنگ و بوی فلسفی، اجتماعی و فرهنگی می‌افزاید و به صورت مسائل سازمان یافته‌تر با بازار سیاست عرضه خواهد کرد. همچنین انتخابات حزبی بر انتخابات بدون حزب، برتری دارد. چرا که در صورت نخست، تعداد نامزدهای انتخابات معقول‌تر خواهد بود و این امر خود از پراکندگی آراء شهروندان جلوگیری کرده و قدرت نمایندگی منتخبین را افزایش خواهد داد. در حالی که اگر احزاب وجود نداشته باشد، شهروندان هم از حیث نامزدی و هم از جهت رأی دادن دچار پراکندگی گردیده و طبعاً ضریب قدرت پشتیبانی نمایندگان کاهش خواهد یافت و عمل رأی دادن به جای اینکه بر مآخذ برنامه سیاسی یا فکر و اندیشه مرامی و مسلکی باشد، بر پایه وابستگی به شخصیت‌ها و لزوماً احساسی یا سطحی خواهد بود. در نظام سیاسی اروپا به دلیل اینکه احزاب سیاسی در ساختار حکومت تعریف شده هستند و جایگاه ویژه‌ای دارند، اساساً جریان امور سیاسی بدون احزاب محال شده است. لذا عملاً این امکان وجود ندارد که افراد غیر حزبی بتوانند قدرت را به دست بگیرند. بنابراین، ثباتی را در دست به دست شدن قدرت می‌بینیم. از این رو میان انتخابات و احزاب سیاسی پیوند و ارتباط نزدیکی وجود دارد، زیرا احزاب سیاسی در هدایت و بسیج ملت به پای صندوق رأی و معرفی چهره‌های کاندیداتور نقش موثری دارند. در این تلقی نوعی رابطه دو سویه میان احزاب سیاسی و دموکراسی برقرار می‌شود. از یک سو دموکراسی به عنوان بستر ظهور و شکل‌گیری و نهادینه شدن احزاب سیاسی مطرح می‌گردد و از سوی دیگر حزب سیاسی نردبان صعود

موفقیت‌آمیز روند توسعه سیاسی که مشارکت سیاسی شهروندان از شاخص‌های مهم آن است را فراهم می‌کند (مقتدایی، ۱۳۹۳، ص ۸۵). اما در جامعه سیاسی ایران به دلایل مختلفی که در ذیل به آنها خواهیم پرداخت، احزاب نقش پررنگی در جامعه ندارند و نهاده‌ی نشده‌اند.

۱۲. علل نهاده‌ی نشدن احزاب در ایران

با توجه به اینکه بیش از یکصد سال از تاسیس اولین حزب به معنای امروزی آن در جامعه ایران می‌گذرد و سلسله احزاب متعددی در طول این سده اخیر، رشد و افول کرده است، و برخی از این احزاب هم به نقش‌های تاریخی خواسته و یا ناخواسته‌ای نیز پرداخته‌اند، اما با این حال به دلایلی که در اینجا به طور خلاصه به آنها اشاره خواهیم کرد، احزاب نتوانسته‌اند در ایران نهاده‌ی شوند. عبارت *نهاده‌ی نشدن احزاب* دلالت بر این دارد که هیچ یک از افراد جامعه حزب را به عنوان یک نهاد مستحکم اجتماعی قبول نداشته و احزاب نیز توانایی و ظرفیت مدیریت فعالیت‌های انتخاباتی را ندارد و چه از منظر مردم و چه نخبگان و حتی خود نهاده‌های حزبی مورد پذیرش و اقبال نیستند. با این حال این عوامل را می‌توان در موضوعاتی مانند علل تاریخی و ساختاری، علل اجتماعی، علل فرهنگی، عامل اقتصادی دسته‌بندی نمود.

الف. علل تاریخی و ساختاری

عدم شکل‌گیری احزاب در بستر تاریخی خود: احزاب سیاسی در غرب، حاصل و برآیند تکامل مبارزات سیاسی هستند که پیشینه بعضی از مبارزات صنفی به چندین سده و قرن می‌رسد. در جوامع اروپایی ابتدا نهادها و گروه‌ها، انجمن‌ها و مجامع صنفی، اتحادیه‌های صنفی، اتحادیه‌های کارگری و نظایر آن برای طرح خواسته‌ها و تقاضاها و تأمین و احقاق حقوق صنفی، نهادی و اتحادیه‌ای شکل گرفته و در این راه و فرآیند مبارزات متعددی را پشت سر گذاشتند و در نهایت از دل همین مجامع و نهادهای صنفی، اتحادیه‌های کارگری و... بود که احزاب سیاسی سرآوردند. در صورتی که این روند در ایران هیچ‌گاه به وجود نیامد (زکی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷).

استبداد و ساختار مطلقه‌ی قدرت: سنت و دولت‌مداری و دولت‌سالاری مطلق و تمرکزخواه، دارای پیشینه‌ی طولانی و تاریخی است. با این وجود تجربه‌ی تاریخی ایران از مشروطه تاکنون گواه آن است که هم‌زمان با تزلزل قدرت مطلقه و ضعف دولت، نهادهای مدنی مانند احزاب و مطبوعات، قارچ گونه و لجام گسیخته تاسیس یا فعال شده و با تمرکز محدود قدرت مطلقه یا تولد آن، همه رخت بر بسته و چون برگ خزان ریخته‌اند. این هم‌زمانی حاکی از آن است که پیدایی

نهادهای مدنی معلول ضعف دولت مطلقه بوده و به موازات افزایش استبداد و مطلقه شدن ساختار قدرت، از گستره و توان این نهادها و از جمله احزاب کاسته شده، و به زوال گراییده‌اند، زیرا کلیه‌ی سلسله‌های حکومتی در ایران در فردی و مطلقه بودن حاکمیت و فقدان و یا عدم تحمل قدرت‌ها و یا نهادهای حاضر و تعدیل‌کننده مشترک بوده‌اند. بدین ترتیب در تاریخ معاصر ایران و در سده‌ی گذشته هم، حکومت‌های استبدادی با اعمال قدرت مطلقه و خشونت مانع رشد شخصیت و هویت مردم شدند و اجازه‌ی رشد طبیعی و شکل‌گیری نهادهای جامعه مدنی را ندادند. همچنین بدیهی است در کشوری که فقط در سه چهار دهه‌ی اخیر از بند استبداد و ساختار قدرت مطلقه بنای رهیدن داشته، بسط جامعه و نهادهای مدنی مانند احزاب به راحتی میسر نباشد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۱).

فقدان تحولات بنیادین در فرماسیون اجتماعی و تقابل میان سنت و تجدد: یکی از ریشه‌های تاریخی عدم نهادینه شدن احزاب در ایران آن است که فرماسیون یا صورت‌بندی اجتماعی در ایران کمتر در معرض تغییرات و تحولات زیربنایی که در اروپای دوران رنسانس به بعد رخ داد، قرار گرفته است. در اروپای مابعد رنسانس، فروپاشی فئودالیسم و ظهور سرمایه‌داری، موجب پیدایش گروه‌های اجتماعی متفاوتی شد که هر کدام برای نیل به قدرت سیاسی و تصاحب سهم بیشتری از درآمد اقتصادی، با یکدیگر به رقابت پرداختند. اما فرماسیون اجتماعی در ایران حتی تا اواسط قرن بیستم چندان تکان جدی نخورده بود. زیربنا و شالوده‌ی اقتصادی ایران دولتی بود و دولت به صورت بزرگ‌ترین کارفرما عمل می‌کرد.

بدبینی و ناآگاهی نسبت به نقش احزاب: افزایش معلومات و بالا بردن سطح سواد و تحصیلات عموم مردم در جامعه‌ی امروز، موضوعی مختص به دو سه دهه‌ی تاریخ معاصر ایران است و این واقعیت وجود دارد که بعد از انقلاب اسلامی، بیش و توجه سیاسی عموم مردم بالا رفته، ولی در دهه‌های گذشته و با توجه به وارداتی بودن پدیده‌ی حزب و ادبیات سیاسی مربوط به آن، افشار عظیمی از جامعه نسبت به نقش اساسی احزاب و گروه‌های سیاسی در سازماندهی و بهینه‌سازی ساختار سیاسی کشور بی‌اطلاع بوده و حتی بخش قابل توجهی از تحصیل‌کردگان و آگاهان سیاسی نیز نسبت به نقش ایجابی و مترقی کشور تردید داشته‌اند که این بی‌اطلاعی و تردیدها هنوز نیز در بخش‌هایی از عوام و خواص طبقات اجتماعی وجود دارد و بخشی از بدبینی‌ها و ذهنیت‌های نامطلوب تاریخی جامعه نسبت به احزاب و گروه‌ها، از همین بی‌اطلاعی‌ها و تردیدها

ناشی می‌شود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹).

ضعف جامعه مدنی و کم‌تجربگی مشارکت‌های سیاسی: اساساً احزاب سیاسی نیرومند و کارآمد و نهادینه شده قبل از هرچیز به وجود جامعه مدنی توسعه یافته و توانا نیازمندند. این در حالی است که در پیشینه تاریخی ایرانیان، به دلایل مختلفی مانند وجود نظام سیاسی مستبد و مطلقه، تمرکزگرایی و دولت‌سالاری، و وجود دوره‌های طولانی بحران و ناامنی، ساختار اجتماعی و اقتصادی ناهمگون و توسعه نیافته، نهادهای مشارکتی مستقل و نیرومند، فرصت ظهور و تمرین دموکراسی نیافته‌اند و اساساً تجربه مشارکت‌های سیاسی فعالانه در نظام‌های قبل از انقلاب اسلامی، به دلیل فقدان مشروعیت سیاسی آنها، وجود نداشته است و دولت‌ها، بدون واسطه نهادهای برخاسته از متن جامعه یا با دولت‌سازی تشکلهایی مانند احزاب، به کنترل، هدایت، سازمان‌دهی و بکارگیری نیروهای اجتماعی در جهت منافع خود اقدام نموده و هرگونه داعیه‌ی مخالفت و دگراندیشی را برنمی‌تافتند و با سرکوب مواجه می‌کردند. متأسفانه پیشینه ضعیف جامعه مدنی و نبود یا کم‌تجربگی مردم و نهادها در مشارکت سیاسی فعال، باعث کم‌توانی و ضعف پشتیبانی تاریخی از فعالیت تشکلهای احزاب سیاسی امروز شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹-۱۹۰).

ب. علل اجتماعی نهادینه نشدن احزاب

تشکیل احزاب سیاسی از بالا به پایین (فرمایشی بودن احزاب): یکی از مهم‌ترین موانع شکل‌گیری احزاب در ایران، فرمایشی بودن احزاب می‌باشد که در طول تاریخ احزاب سیاسی ایران شاهد آن هستیم. در کشورهای دموکراتیک دولت‌ها حزبی هستند. یعنی از طریق فعالیت‌های حزبی و انتخابی به قدرت رسیده‌اند. در جوامع غیر دموکراتیک، بر عکس، احزاب ساخته‌ی دولت‌اند. در واقع احزاب فرمایشی دارای سه ویژگی عمده هستند:

اول اینکه، فاقد اصالت حزبی می‌باشند.

دوم، با از میان رفتن شخصیت بانفوذ و دستیابی به هدف و کسب منافع غیرسیاسی، حزب هم از میان می‌رود.

سوم، عملکرد آنها به جای ارتقاء فرهنگ و مبارزه سیاسی، اخلاق سازشکاری و تعلیم ریا و نفاق و حيله‌گری را به مردم آموزش می‌دهد که همه‌ی این ویژگی‌ها دست در دست هم داده و عامل مهمی در راستای بی‌زاری و تبری جستن مردم از احزاب و فعالیت‌های حزبی به شمار می‌رود. حتی

انتقاد امام خمینی و نگاه منفی ایشان معطوف به این واقعیت بود که حزب به معنای واقعی کلمه وجود ندارد و اصولاً احزاب موجود به لحاظ منشاء و مرجع نشو و نمو، دولتی بوده و برای تحکیم قدرت دولتی شکل گرفته‌اند. در صورتی که به تایید صاحب نظران علم سیاست، احزاب واقعی به عنوان مظهر اقتدار جامعه مدنی باید از پایین به بالا شکل بگیرند. ایشان در همین زمینه می‌فرمایند: «آنجایی که حزب است، دولت‌ها از حزب وجود پیدا می‌کنند، نه اینکه اول دولت تشکیل بشود و بعد اتکاء بر حزب کند ... اگر حزب می‌خواهید درست کنید، طوری که قانون اساسی و سایر قوانین اقتضاء می‌کند...» (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۱).

هیئت‌ها و اجتماعات مذهبی و تاثیر آن بر نهادینه نشدن احزاب: از گذشته‌های نه چندان دور و دست کم در دو سده‌ی اخیر، تشکیل اجتماعات و حضور در حرکت‌های جمعی، رنگ و شکل دینی و مذهبی به خود گرفته است و این مسئله فقط مختص ایران نیست. در همه‌ی کشورهای اسلامی، مسلمانان در طول یک سال به مناسبت‌های گوناگون گرد هم آمده و در کنار برگزاری مراسم دینی، مسائل و مشکلات خود را نیز مطرح می‌کنند. در ایران اسلامی هم مراسم و آداب مذهبی از جمله نمازهای جمعه، اعمال و مناسک اعیاد، و شهادت‌های ائمه و موارد عدیده دیگری وجود دارند که بخشی از اهداف گروه‌های سیاسی را تحقق می‌بخشند. علاوه بر آن هیئت‌های مذهبی و موسسه‌های خیریه که از گذشته‌های دور، تشکیل شده‌اند، به نحوی بخشی از افراد جامعه را دور هم جمع می‌کنند تا به گفتار و موعظه‌های واعظ گوش فرادهند. همین امر، دست کم در سطح عموم جامعه، تا حدودی نیاز به جمع دیگری به نام حزب را مرتفع ساخته است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۲-۲۵۳).

نقش دولت و عملکرد آن در نهادینه نشدن احزاب: احزاب به عنوان مصداقی از جامعه مدنی، نقش حلقه‌های واسطه میان مردم و دولت را بازی می‌کند و بسیار بدیهی است که عملکرد و نقش دولت‌ها چه از حیث سیاسی، اقتصادی، حقوقی، و فرهنگ‌سازی در نوع و میزان کارایی و نهادینه شدن احزاب بسیار موثر می‌باشد. در تاریخ تحزب ایران، هر وقت سرکوب از ناحیه‌ی دولت‌ها زیاد بوده و تمرکز دولت‌سالاری افزون گشته، فعالیت‌های احزاب هم کاهش یافته و نسیمی از آزادی وزیده و اعطای بیشتر حقوق و آزادی‌های مدنی توسط دولت‌سالاران به مردم و نهادهای مدنی صورت گرفته، موج روی آوری به فعالیت‌های حزبی هم افزایش یافته است. از سویی عدم توجه دولت‌ها به مطالبات و خواسته‌های عمومی نیز چون باعث بی‌تفاوتی و انفعال سیاسی مردم

می‌شود، از این طریق نیز مایه‌ی کاهش مشارکت سیاسی و اقبال عام نسبت به حزب می‌گردد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۰).

مقطعی، موسمی و مرکزگرا بودن فعالیت احزاب: حضور احزاب در جریان‌های انتخابات مختلف کشور، یکی از سمبل‌ها و نمادهای ظهور احزاب مقطعی و موسمی است و وقوع چنین مسئله‌ای در واقع استمرار آفات و بلیه‌ای در تاریخ برای ظهور و عملکرد احزاب ایرانی است که معمولاً در ایام انتخابات، فعالیت موسمی آنها آغاز شده و پس از جمع‌آوری آراء لازم از مردم، از صحنه‌ی سیاسی کشور به نحو بارزی پا پس می‌کشند. در حالی که احزاب می‌بایست در طول سال و در جریان زمان موجود میان انتخابات به تدوین برنامه‌ها و راهبردها و تربیت نیرو اقدام کنند و تشکیلات خود را منسجم و پایدار ساخته و فعالیت خود را تنها به پایتخت و چند شهر بزرگ محدود نسازند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۸).

ضعف عملکرد احزاب و نقش آن در نهادینه نشدن احزاب: حزب واقعی حزبی است که به مسائل اجتماعی واقعی مردم برسد. یک حزب موثر در ایران حزبی است که به خواسته‌های جامعه جواب دهد. به ثبات اقتصادی، توسعه سیاسی و عدالت اجتماعی. حزبی که بتواند برای این مسائل راه حل ارائه نماید و بتواند طرفداری مردم را طلب کند آن وقت چالش پیش‌روی حزب این خواهد بود که اولاً از درون سیستم مورد پذیرش قرار بگیرد و بعد به واسطه پشتوانه اجتماعی مورد قبول قرار گرفته، آنگاه می‌تواند تغییراتی در نظام بدهد (مقتدایی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۴). در حقیقت احزاب سیاسی برای انجام کارویژه‌های مختلفی تشکیل می‌شوند و امروزه بر هیچ کس پوشیده نیست که اداره‌ی امور جامعه وابسته به تشکیلات و نهادهای سازمان یافته و منسجمی چون احزاب می‌باشد. در کشورهای غربی به دلایل متعددی، از جمله ایجاد زمینه‌های مناسب جهت فعالیت احزاب، وجود سازوکارهای قانونی مناسب، حمایت دولت از احزاب سیاسی، احزاب توانسته‌اند به یک نهاد قدرتمند و تاثیرگذار در عرصه‌های مختلف به ویژه عرصه سیاسی تبدیل شوند. در حالی که در ایران به ویژه پس از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ به زعم شکل‌گیری احزاب متعدد، احزاب در موضوعات خاصی متوقف شده‌اند. در حالی که قاعدتاً احزاب باید همه جانبه‌گر و چندبعدی باشند. در برهه‌هایی شاهد اهمیت صرف بر مسائل سیاسی و در دوره‌هایی نیز تاکید بر اقتصاد، شاخص آن بوده و از توجه توأمان به این دو و سایر موضوعات غفلت شده است. از آنجایی که احزاب عملکردهای خوبی نداشته‌اند و نتوانسته‌اند به عنوان یک نهاد قدرتمند و تاثیرگذار در جامعه مطرح

شوند، مردم نسبت به احزاب ذهنیت منفی پیدا کرده‌اند (مقتدایی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۳).

ج. علل فرهنگی

در بحث علل فرهنگی می‌توان به موضوع فرهنگ سیاسی اشاره نمود. در حقیقت فرهنگ سیاسی از جمله مولفه‌های اساسی در شکل‌گیری و فعالیت احزاب می‌باشد. بر این اساس فقدان فرهنگ سیاسی مسالمت‌آمیز می‌تواند همواره موجب ناکارآمدی و نهادینه نشدن احزاب سیاسی گردد. موضوعی که در ارتباط با جامعه ایران نیز می‌تواند به نوعی شاهد بود. در واقع مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگ سیاسی ایران را می‌توان در مواردی همچون:

(۱) فرهنگ آمریت و قانون‌گریزی: فرهنگ آمریت که ریشه در استبداد شرقی دارد، در مقابل فرهنگ مشارکتی قرار می‌گیرد. براساس فرهنگ آمریت قدرت سیاسی در ایران پدیده‌ی «رمزآلودی» است. در این نوع از فرهنگ، حاکم موجودی برتر، قهرمان، بی‌همتا و به نحوی برخوردار از قداست و حتی مقدس تلقی می‌شود. فرهنگ آمریتی صاحبان قدرت سیاسی را شخصیت‌هایی ویرای جامعه، طبقات و قانون قرار داده که در نظام سلسله مراتبی، قدرت خود را بر دیگران اعمال می‌نمایند و دیگران موظف به تبعیت از آن هستند (ناظری، ۱۳۸۱، ص ۲۰۴). بر این اساس وجود این نوع از فرهنگ مانع عمده به وجود آمدن فرهنگ اعتنا به قانون بوده و در نتیجه امکان تشکیل تشکلهای سیاسی و رقابت سالم سیاسی را از بین می‌برد.

(۲) نامداری سیاسی: فرهنگ تساهل و تسامح یک فرایند سیاسی و اجتماعی است و از عناصر بسیار اساسی پیشرفت و ترقی جوامع به حساب می‌آید. تساهل به قانون، تشویق و ترغیب مردم به گفت و گوی منطقی و ایجاد فضای عقلایی کمک می‌کند و بالعکس روحیه‌ی عدم تساهل سیاسی و انقیادطلبی انسان را از واقع‌نگری و داوری منطقی باز می‌دارد و او را دستخوش تحمل‌پذیری و ستیزه‌جویی می‌کند. فقدان تساهل مطمئناً به نهادینه شدن و کارآمدی احزاب کمک نخواهد کرد.

(۳) تفکر شخصی و سلیقه‌ای: یکی از معضلات فرهنگی که نه تنها در ایران بلکه در جهان اسلام سایه افکنده، شخصی‌اندیشیدن و سلیقه‌ای‌اندیشیدن است. هنر شنیدن، هنر درک، هنر تبادل و ارتباط، هنر فراگیری، هنر جمعی‌اندیشیدن و هنر همگانی‌اندیشیدن از لوازم تشکلهای اجتماعی می‌باشد. اگر شهروندان در جریان اندیشه‌های یکدیگر قرار نگیرند و پل‌های ارتباطی برقرار نکنند، چگونه می‌توانند به شکل، انسجام و سیستم برسند (سریع‌القلم، ۱۳۸۱، ص ۴۴).

(۴) اصل ضعف در دستیابی به اجماع نظر: در میان ایرانیان و در فرهنگ ما فعالیت جمعی و

گروهی جایگاه مناسبی ندارد. فردیت در معنای منفی آن، تبدیل شدن اختلافات فکری به اختلافات شخصی، هیجانی و احساسی عمل نمودن، عدم پذیرش یکدیگر و آستانه پایین تحمل باعث شده تا تمایل زیادی به جمع‌گریزی ایجاد و به راحتی هر گروه متلاشی یا دچار انشعاب شود. در ایران جایگاه افراد از نهادها مهم‌تر است و به همین دلیل مشاهده می‌شود که حتی در شرایط حضور احزاب، افراد و شخصیت‌ها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نقش بیشتری دارند (مقتدایی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۵). بنابراین، تفکر فردی به معنای عدم توجه به اجماع و تفکر جمعی و نیز به فراموشی سپرده شدن تشکل‌ها است.

د. عامل اقتصادی

۱) **اقتصاد ضعیف دولتی:** اساساً اقتصاد دولتی و متمرکز، با نادیده گرفتن بخش خصوصی و با قائل نشدن جایگاه بایسته برای آن، ظهور و حیات و نهادینه شدن تشکل‌های مدنی مانند احزاب را دچار تنگناهای جدی نموده و می‌نماید، زیرا زمانی که اقتصاد تحت تسلط کامل دولت می‌باشد، طبیعی است که قدرت و کلیه‌ی نهادهای سیاسی نیز در مهار دولت قرار می‌گیرد. اقتصاد ایران نیز در گذشته و در حال حاضر عمدتاً اقتصاد دولتی بوده و بخش‌های خصوصی و تعاونی تاکنون به اندازه‌ی کافی قوی نبوده و اساساً در حوزه‌ی فعالیت احزاب حضوری نداشته‌اند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۷).

۲) **مشکلات احزاب در تأمین منابع مالی:** امروزه یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های احزاب، نحوه‌ی تأمین منابع مالی و هزینه‌های سرسام‌آور این تشکیلات است. این مسئله در کشورهایی از جمله ایران که از لحاظ ساختار اقتصادی به صورت دولتی و متمرکز اداره شد و با فقدان رشد بخش‌های خصوصی و در نتیجه ضعف جامعه‌ی مدنی روبه‌رو می‌باشند، باعث شده تا احزاب غالباً در هیئت احزاب دولتی، غیر مستقل و در نتیجه ناکارآمد ظاهر شوند و در دوره‌هایی هم که احزاب مستقل و ورای اهداف و انگیزه‌های غیر دولتی ظهور کردند، به دلیل فقدان استقلال مالی و عدم توانایی در تأمین هزینه‌های مختلف فعالیت‌های حزبی، پس از مدت کوتاهی رو به ضعف و اضمحلال نهادند. در واقع بقای هر حزب در گرو دو عامل اساسی است: عامل اول، تأمین نیرو و عضوگیری و عامل دوم، تأمین درآمدها و سرمایه‌های مادی و مالی احزاب برای انجام فعالیت‌ها که شامل مراحل پیدایش، شکل‌گیری و رشد و توسعه‌ی احزاب سیاسی می‌گردد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۷).

جدول ۱- علل نهادینه نشدن احزاب در ایران

علل تاریخی و ساختاری	علل اجتماعی	علل فرهنگی	علل اقتصادی
عدم شکل‌گیری احزاب در بستر تاریخی خود	فرمایشی بودن احزاب	فرهنگ آمریت و قانون‌گریزی	اقتصاد ضعیف دولتی
استبداد و ساختار مطلقه قدرت	هیئت‌ها و اجتماعات مذهبی	نامداری سیاسی	مشکلات احزاب در تامین منابع مالی
فقدان تحولات بنیادین در فرمایشیون اجتماعی و تقابل میان سنت و تجدد	نقش دولت و عملکرد آن	تفکر شخصی و سلیقه‌ای	-
بدبینی و ناآگاهی نسبت به نقش احزاب	مقطعی، موسمی و مرکزگرا بودن فعالیت احزاب	اصل ضعف در دستیابی به اجماع نظر	-
ضعف جامعه مدنی و کم‌تجربگی مشارکت سیاسی	ضعف عملکرد احزاب	-	-

۱۳. سناریوهای ناشی از نهادینه نشدن احزاب در ایران و تاثیر آن بر آینده انتخابات

۱۳-۱. آینده‌پژوهی

در ارتباط با تعریف آینده‌پژوهی، تعاریف متعددی آورده شده است، و ندل بل^۱ به عنوان یکی از پیشگامان عرصه آینده‌پژوهی تعاریف و توصیفات خوبی درباره آینده‌پژوهی بیان کرده و معتقد است، آینده‌پژوهی یک عرصه جدید پژوهشی در حال رشد است که در برگزیده تفکر نظام‌مند و صریح درباره آینده‌های جایگزین می‌باشد. در تعریفی از آینده‌پژوهی می‌گوید: «بررسی دیدگاه‌ها و مطالعات نظام‌مند آینده‌های جایگزین به منظور کمک به مردم در انتخاب و خلق مطلوب‌ترین آینده. آینده‌پژوهان ترکیب‌های مختلفی از دانش گذشته، دانش حال، تحیل، و امیال و نیازها را برای دسترسی به این هدف به کار می‌گیرند. علاوه بر این آینده‌پژوهان سعی دارند تا پیامدهای پیش‌بینی شده، ناخواسته و تشخیص داده نشده فعالیت‌های اجتماعی را کشف کنند» (میرخلیلی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۷). آینده‌پژوهی دارای روش‌های متعددی می‌باشد: روش دلفی، سناریونویسی، پیمایش محیطی، ذهن‌انگیزی، تحلیل ثبت اختراع، درخت وابستگی، ریخت‌شناسی، چرخه آینده.

1. Wendell Bell

روش پژوهش حاضر سناریونویسی است. واژه‌ی سناریو که از دنیای هنر به عاریت گرفته شده، با مفهوم جدیدی در نیروی هوایی آمریکا و بعد از جنگ جهانی دوم به کار رفت (ستاری‌خواه، ۱۳۹۳، ص ۸۰). هرمان کان،^۱ کسی بود که برای اولین بار واژه‌ی سناریو را به عنوان روشی برای آینده‌نگاری و تفکر در مورد آینده به کار برد. آینده هر کسب و کاری به دو مولفه آینده نزدیک و آینده دور تقسیم می‌شود. تکنیک سناریوسازی به طور موثر برای آینده دور کسب‌کارها کاربرد دارد (خوش‌دهان، ۱۳۸۸، ص ۲۳).

۱۳-۲. مراحل ساخت سناریو

در زمینه روش و گام‌های سناریونویسی روش‌های متفاوتی وجود دارد، در این پژوهش برای ساختن سناریوهای ناشی از عدم نهادینگی احزاب در ایران از روش شوارتز^۲ استفاده شده است. ایشان چند مرحله را برای تدوین یک سناریو ارائه کرده است. گام اول، روشن کردن تمرکز اصلی سناریوها (پرسش اصلی یا موضوع)، گام دوم، بررسی تغییرات گذشته برای شناسایی روندها و نیروهای پیشران، گام سوم، شناسایی نیروهای پیشران، گام چهارم، شناسایی عدم قطعیت‌ها، گام پنجم، انتخاب منطق سناریوها، گام ششم، پر بار کردن سناریو.

۱۳-۲-۱. گام‌های تدوین سناریو برای نهادینه نشدن احزاب سیاسی در ایران و تاثیر آن بر آینده انتخابات ایران

گام اول: تعیین موضوع

موضوع اصلی پژوهش حاضر علل نهادینه نشدن احزاب در ایران و تاثیر آن بر آینده انتخابات ایران است.

گام دوم: شناسایی نیروهای کلیدی در محیط کار

در این قسمت لازم است تا افق زمانی سناریونویسی مشخص شود. بازه زمانی پژوهش حاضر تا سال ۱۴۰۰ می‌باشد. علاوه بر تعیین بازه زمانی، فرایند تدوین سناریو لزوماً شامل به دست آوردن و جمع‌آوری اطلاعات نیز است. بدین منظور به بررسی علل نهادینه نشدن احزاب از منظرهای گوناگون پرداخته شد تا متناسب با مراحل تدوین سناریو، اطلاعات لازم جهت ورود به مراحل بعدی سناریو فراهم شود.

1. Herman Conn

2. Schwartz

گام سوم: شناسایی پیشران‌ها

همان‌طور که در قبل اشاره کردیم، مرحله سوم شناسایی پیشران‌ها می‌باشد. شناسایی و ارزیابی این عوامل بنیادی نقطه عطف روش برنامه‌ریزی بر پایه سناریو است. شناسایی نیروهای پیشران کلیدی لزوماً باید به صورت گروهی انجام شود. نیروهای پیشران را می‌توان به مولفه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... تجزیه کرد. بعضی از این نیروها تقریباً مشخص هستند و بعضی دیگر با عدم قطعیت بسیار همراه می‌باشند (همتی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۰).

یکی از گام‌های اساسی در زمینه تدوین سناریوی عدم نهادینگی احزاب و تاثیر آن بر انتخابات آینده ایران در سال‌های آینده، تعیین پیشران‌های مرتبط می‌باشد. در اینجا منظور از پیشران، در واقع عوامل عمده‌ای هستند که باعث نهادینه نشدن احزاب در ایران شدند. یکی از این عوامل نقش و عملکرد دولت است. دولت می‌تواند با فضایی که در جامعه ایجاد می‌کند و آزادی‌هایی که در فضای جامعه به وجود می‌آورد، در کاهش یا افزایش نقش احزاب تاثیرگذار باشد. یکی دیگر از این عوامل نقش گروه‌های ذی‌نفوذ یا سمن‌ها می‌باشد که نقش بسیار پر رنگ‌تری از احزاب در جامعه ایران ایفاء می‌کنند و کارکردهایی را که احزاب باید انجام دهد، آنها انجام می‌دهند. یکی دیگر از این عوامل شخصیت محوری احزاب است، با این توضیح که احزاب سیاسی در ایران عمدتاً قائم به شخص بوده یا هویت خود را از شخص می‌گیرند، نه از شخصیت حقوقی و گروه‌های حزبی. یکی دیگر از این عوامل نقش نیروهای بیگانه است. اینکه احزاب در گذشته تحت تاثیر کشورهای بیگانه قرار داشتند و امروزه نیز کشورهای بیگانه می‌کوشند با تاثیرپذیری بر احزاب، از آنها به عنوان ابزاری جهت براندازی نظام استفاده کنند. یکی دیگر از این عوامل، فرهنگ حزب‌گریزی ایرانیان است که ریشه در گذشته‌های تاریخی ایرانیان دارد و عامل‌های آن را باید در گذشته ایرانیان جستجو کرد. با توجه به مطالب گفته شده نیروهای پیشران را می‌توان به شکل زیر ترسیم نمود:

جدول ۲- پیشران‌های عدم نهادینگی احزاب در ایران

نقش و عملکرد دولت	نیروهای پیشران
نقش سازمان‌های مردم‌نهاد	
بیگانگان و ایدئولوژی‌های الحادی	
حزب‌گریزی ایرانیان	
شخصیت محوری احزاب	

گام چهارم و پنجم: آشکارسازی عناصر نسبتاً معین و شناسایی عدم قطعیت‌ها

عناصر نسبتاً معین که به زنجیره رویدادهای خاص وابسته نیستند، شالوده توسعه سناریوها و منطق حاکم بر آنها هستند. به علاوه در هر طرحی، عدم قطعیت‌های بحرانی مختلفی وجود دارند. وظیفه اصلی هر طراح سناریو جستجو و یافتن آنها است. این عدم قطعیت‌ها اغلب با عناصر نسبتاً معین رابطه دارند. طراح سناریو با مورد سوال قرار دادن مفروضات خود درباره عناصر معین و پیگیری زنجیره روابط می‌تواند برخی عدم قطعیت‌ها را شناسایی کند (همتی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱). بنابراین، پس از تعیین پیشران، لازم است گام‌های چهارم و پنجم برداشته شود. بدین منظور جدولی تحت عنوان عدم قطعیت‌ها طراحی گردید.

جدول ۳- عدم قطعیت‌های عدم نهادینگی احزاب و تاثیر آن بر انتخابات آینده ایران

شناسایی عدم قطعیت‌ها	وضعیت مطلوب	وضعیت نامطلوب
مشارکت سیاسی انتخاباتی	در آینده مشارکت سیاسی انتخاباتی افزایش پیدا خواهد کرد.	در آینده مشارکت سیاسی انتخاباتی کاهش پیدا خواهد کرد و سیر نزولی خواهد داشت.
سمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد	مشارکت سیاسی انتخاباتی در آینده تحت تاثیر سمن‌های فعال قرار خواهد گرفت.	سازمان‌های مردم‌نهاد و سمن‌ها هیچ تاثیری بر مشارکت سیاسی انتخاباتی نخواهند داشت.
مخالفان داخلی و خارجی	-	مشارکت سیاسی انتخاباتی ابزار نرم مقابله با جمهوری اسلامی ایران توسط مخالفان مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

گام ششم: پر بار کردن و تدوین سناریو

در تحقیق حاضر علل نهادینه نشدن احزاب در ایران مرور و دسته‌بندی شد. نقش گروه‌ها و سمن‌ها، عملکرد دولت‌ها، شخصیت محوری احزاب، دولت ساخته بودن احزاب، فرهنگ حزب‌گریزی و... به عنوان عوامل عمده عدم نهادینگی تحزب در ایران طرح گردید. در چارچوب روشی آینده‌پژوهی این عوامل به عنوان پیشران‌ها لحاظ شده و مواردی به عنوان عدم قطعیت‌ها بیان شد و براساس آنها، سناریوهایی برای آینده مشارکت سیاسی و انتخابات در ایران تدوین گردید که در ادامه هر یک از آنها معرفی خواهد شد.

۱۳-۲-۲. سناریوی اول

مشارکت سیاسی انتخاباتی به دلیل عدم آموزش انتخاباتی شهروندان و عدم سازماندهی

مناسب منجر به گزینش افراد فاقد صلاحیت‌های لازم خواهد شد.

یکی از کارکردهای احزاب در جوامع توسعه یافته، آموزش سیاسی به شهروندان و افزایش آگاهی سیاسی در جوامع است. احزاب نقش بسیار مهمی در ارائه‌ی یک بسته فکری به جامعه دارند. بدون احزاب نمی‌توان در جامعه این بسته‌های فکری را تنظیم، تکوین و حتی شناسایی کرد. بدون احزاب معمولاً گفتمان‌ها یا مطالب مختلفی در جامعه مطرح می‌شود و جامعه را دچار تنوع و تعدد، اما کم‌مایه گفتمان‌های فکری و سیاسی و... می‌کند... اگر احزاب موجود باشند، یک بسته فکری را می‌پذیرند یا یک هویت را تدوین می‌کنند که در آن، ارزش‌ها و اعتقادات و احساسات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و همه ابعاد جامعه تشریح می‌شود و جامعه به دو-سه گفتمانی که نیاز دارد می‌رسد و در نهایت، یکی را انتخاب می‌کند. این نقش بسیار مهمی است. بدون احزاب یک جامعه توده‌ای خواهیم داشت که در آن افراد با حکومت بدون بسته‌های فکری مشخص تنها هستند. احزاب هستند که این بسته‌های فکری را از طریق آموزش و رسانه‌های خود تشریح می‌کنند و آنها را در جامعه ترویج و پرورش می‌دهند و موجب آگاهی سیاسی شهروندان و آموزش سیاسی به آنان می‌شوند.

بنابراین، وقتی شهروندان زیر نظر احزاب آگاهی به دست بیاورند و آموزش ببینند، معمولاً در هنگام انتخابات، عقلانی‌تر عمل می‌کنند و از آنجا که انتخاب آنان براساس آموزش‌های انتخاباتی حزب و بر مبنای عقلانیت و تحلیل صورت می‌گیرد، افرادی منصب سیاسی را در انتخابات کسب می‌کنند که صلاحیت لازم را دارند. اما در جوامعی مثل ایران که احزاب نقشی در ایجاد آموزشی سیاسی به شهروندان ندارند، معمولاً انتخاب افراد در مشارکت سیاسی انتخاباتی بر مبنای احساسات و عواطف و کمتر بر مبنای عقلانیت صورت می‌گیرد و این باعث انتخاب افرادی می‌شود که صلاحیت‌های لازم را ندارند. رمز نهادینه شدن، آموزش است.

۱۳-۲-۳. سناریوی دوم

مشارکت سیاسی انتخاباتی از سوی مخالفان خارجی به عنوان ابزار نرم مقابله با جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

اگر بپذیریم که هر انتخابات ملی بر روی مشروعیت نظام سیاسی مستقر، تمامیت سرزمینی و مصالح عمومی آن کشور تاثیرگذار خواهد بود، آنگاه در خواهیم یافت که برآیند و مابه‌ازای برگزاری یک انتخابات پرشور، آزاد و امن در عرصه‌ی خارجی نیز، افزایش مشروعیت و اعتبار بین‌المللی، و

ارتقاء پرستیژ بین‌المللی است. در ایران هم برگزاری انتخابات باعث افزایش مشروعیت نظام سیاسی در عرصه بین‌المللی خواهد شد. به طور کلی نظام‌های سیاسی جهان با همه‌ی تفاوت‌های ریز و درشتی که با هم دارند، در دو دسته‌ی کلی نظام‌های مردم‌سالار و یا غیرمردم‌سالار قرار می‌گیرند. در جهانی که در آن دموکراسی یک ارزش سیاسی والا به حساب می‌آید، داشتن یک نظام مردم‌سالار به خودی خود افزایش مشروعیت و اعتبار بین‌المللی را برای هر کشوری به ارمغان می‌آورد. بنابراین، این مشروعیت‌سازی انتخابات برای نظام سیاسی در عرصه بین‌المللی باعث می‌شود که انتخابات به عنوان ابزاری در دست مخالفان خارجی باشد تا بدین وسیله مشروعیت نظام سیاسی را زیر سوال ببرند و به دنبال آن باعث کاهش اقتدار نظام در عرصه بین‌المللی شوند. از همین جا است که مخالفان هنگام برگزاری انتخابات با استفاده از رسانه‌ها و ابزارهای دیگر سعی در تحریم انتخابات دارند و تلاش می‌کنند تا مردم را به عدم حضور در انتخابات مجاب کنند و از انتخابات به عنوان ابزاری نرم جهت مقابله با نظام سیاسی ایران استفاده می‌کنند.

۱۳-۲-۴. سناریوی سوم

مشارکت سیاسی انتخاباتی تحت تاثیر نهادهای غیر رسمی و سمن‌های فعال قرار خواهد گرفت که این امر موجب شکاف بین مردم و دولت می‌گردد.

اگر برداشت نهادی از علل پیدایش احزاب سیاسی را مد نظر قرار دهیم که بر پایه آن و طبق نظر دوورژه و ماکس وبر^۱ حزب با توسعه «پارلمانتاریسم»^۲ و گسترش رأی همگانی رابطه نزدیکی پیدا می‌کند، در این صورت مشارکت سیاسی انتخاباتی یکی از مهم‌ترین عرصه‌های ظهور و بروز و فعالیت احزاب است. از منظر نگاه کارکردی، احزاب از یک بعد دارای کارویژه‌های انتخاباتی هستند که شامل شکل دادن به افکار عمومی، گزینش نامزدها، ترتیب و تنسيق کار انتخاب‌شدگان و... می‌باشد. از سوی دیگر نهادهای غیر رسمی نظیر نهادهای نظامی یا شبه نظامی، آستان‌ها، سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد و غیرانتفاعی) به عنوان گروه‌های فشار، اگرچه مستقیماً به دنبال کسب قدرت سیاسی نیستند، ولی در پی تاثیر بر فرایند انتخابات، برآورده شدن مطالبات مادی یا غیر مادی خودشان هستند. وجود گروه‌های فشار یا ذی‌نفوذ در همه کشورها و حتی

1. Max Weber

2. Parliamentarism

دموکراسی‌های پایدار امری طبیعی است، اما مسئله در ایران به گونه‌ای است که دخالت برخی نهادهای نظامی در فرایند انتخابات و حتی برخی سمن‌ها از سوی برخی نخبگان سیاسی (نمایندگان مجلس یا دولت‌مردان...) از سوی مردم پذیرفته شده است و از آن به عنوان «مهندسی انتخابات» تعبیر می‌شود. این تاثیر به لحاظ ساخت قدرت در ایران، عموماً از سوی برخی به عنوان تعیین تکلیف نهادهای انتصابی برای نهادهای انتخاباتی نیز قلمداد شده و در نتیجه احتمال ایجاد شکاف بین حاکمیت و مردم را سبب می‌شود یا چنین شکافی را عمیق‌تر می‌کند.

۱۳-۲-۵. سناریوی چهارم

مشارکت سیاسی انتخاباتی به دلیل فقدان احزاب مردمی سیر نزولی خواهد داشت که این امر موجب کاهش مشارکت سیاسی انتخاباتی خواهد شد.

احزاب از مهم‌ترین تشکلهای سیاسی و مردمی محسوب می‌شوند که نقش بسیار مهمی را در تعالی و توسعه نظام‌های دموکراسی مردم‌سالار که بر مبنای انتخابات بنا گذشته شده‌اند، دارند. وجود احزاب سیاسی کارآمد و سالم و مردمی می‌تواند یکی از مهم‌ترین مسائل در عرصه انتخابات باشد. در جامعه ایران به دلایلی که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، شاهد یک حزب پویا و کارآمد نیستیم. از جمله این دلایل این است که احزاب در کشورهای توسعه یافته به گونه‌ای هستند که هر حزب سیاسی از جانب یک طبقه و قشر خاص سخن می‌گوید و احزاب به معنای واقعی سازمان‌های سیاسی طبقاتی به شمار می‌روند و از منافع آن طبقه دفاع می‌کنند. اما در ایران طبقه‌های اجتماعی و اقتصادی ساختار منطقی ندارند و ضعف طبقاتی سبب می‌شود تا سازمان سیاسی طبقاتی نیز به هم ریخته باشد و احزاب ارتباط چندانی با آن طبقه خاص خود نداشته باشند و نتوانند منافع آن طبقه را چه در زمان انتخابات و چه غیر از آن پیگیری نمایند.

عامل دیگری که می‌توانیم نام ببریم، این است که قانون انتخابات ایران حزب‌گریز محسوب می‌شود. بدین صورت که فرد در انتخابات شرکت می‌کند و دیدگاه خویش را ارائه داده و خود را در معرض رأی مردم قرار می‌دهد. این روش درست نیست، بهتر این است که جایگاه احزاب در انتخابات تعریف شود و مردم رقابت را میان احزاب مشاهده کنند، نه رقابت میان افراد و به تفکرات و برنامه‌های حزب رأی بدهند.

در نهایت اینکه احزاب نقش مهمی در ایجاد مشارکت حداکثری مردم دارند، چرا که با انجام فعالیت‌هایی چون فعالیت‌های تبلیغاتی می‌توانند در کشور شور و نشاط ایجاد کنند، نصب

پوسترها، برگزاری جلسه‌ها همایش‌ها و برنامه‌های متعدد در حساس کردن مردم نسبت به انتخابات تاثیرات قابل توجهی دارد.

با عنایت به مطالب بالا و عدم وجود یک حزب پویا و سالم و کارآمد در زمان انتخابات، در روندهای آینده مشارکت سیاسی انتخاباتی کاهش پیدا خواهد کرد. مگر اینکه برنامه‌هایی جهت افزایش نقش احزاب در زمان انتخابات ایجاد شده و سیستمی مناسب جهت کارایی بیشتر آن طراحی گردد.

۱۳-۲-۶. سناریوی پنجم

مشارکت سیاسی انتخاباتی تابع اراده و تبلیغات دولت و شخصیت محوری قرار خواهد داشت و موجب می‌شود رفتار مشارکتی مردم تقلیدی و تبعی گردد.

در ایران به دلیل نهادینه نشدن فرهنگ تحزب و نیز قوام پیدا نکردن آن که بخشی به پیشینه تاریخی کشور و قهرمان‌پرستی جامعه برمی‌گردد و بخشی دیگر مربوط به سیاست‌های علیه تحزب است، نوعی شخصیت محوری یا فرد محوری در جامعه و فضای سیاسی کشور به خصوص در زمان انتخابات حاکم است.

آنچه از آن به عنوان «فرد محوری» یا «شخصیت محوری» در فعالیت‌های سیاسی یاد می‌شود، عبارت است از حرکت بر مدار افراد و شخصیت‌ها و نزاع‌های بین فردی در مجموعه کار سیاسی و به ویژه در هنگام مشارکت سیاسی انتخاباتی.

در ادامه برخی از مهم‌ترین آفات «فرد محوری» در فرایند انتخابات واکاوی خواهد شد:

۱. یکی از مهم‌ترین آفات «فرد محوری» یا «شخصیت محوری» در مشارکت سیاسی انتخاباتی، گریز طبیعی از سنجش برنامه‌های مدعیان اداره دولت است. در حقیقت تمرکز بر افراد و شخصیت‌ها در عرصه انتخابات، باعث می‌شود تا به طور ناخواسته هم نامزدهای بالقوه و بالفعل حضور در عرصه انتخابات و حامیان‌شان و هم منتقدان، رقبا و به ویژه رسانه‌ها به عنوان چشمان تیزبین جامعه، ناتوان از نقد و بررسی برنامه‌ها، اهداف و رویکرد نامزدها، از هنگامه آغاز صف‌بندی‌های انتخاباتی تا مرحله گزینش و انتخاب، به تاکید و حرکت صرف بر مدار ویژگی‌های فردی، سوابق شخصی، نقل قول‌ها و بدتر از همه «سابقه‌سازی‌های کاذب» له یا علیه نامزدهای گوناگون پردازند. چنین رویکردی، فضای انتخاباتی کشور را بیش از هر چیز و فراتر از عارضه‌های مورد انتظار در هر فضای انتخاباتی، آکنده از رقابت‌های ناسالم سیاسی، تخریب اشخاص و در

یک کلام، ناامنی روانی- سیاسی می‌سازد. امری که هزینه برگزاری انتخابات را فراتر از هزینه‌های مالی، به تاثیرات مخرب بلندمدت و بعضاً جبران‌ناپذیر، افزایش می‌دهد.

۲. عدم تمرکز فعالیت‌های انتخاباتی به ارائه برنامه‌های مدون برای حضور در انتخابات و اداره دولت، در نهایت منجر به تقلیل اهداف و برنامه‌ها صرفاً به چند شعار انتخاباتی می‌گردد. شعارها و تابلوهای انتخاباتی البته جزء لاینفک فرآیند انتخابات در همه کشورها است. اما این شعارها و تابلوهای انتخاباتی، جز کلی‌گویی‌های غیرقابل ارزیابی کارشناسانه و البته قابل ارائه در مبارزات تبلیغاتی عاید چندانی ندارد.

در حقیقت باید اذعان داشت که عدم ارائه برنامه مدون اجرایی برای مسائل گوناگون کشور و اکتفاء به طرح چند شعار انتخاباتی- که البته می‌بایست به ارائه برنامه‌های اجرایی در آن راستا بینجامد-، نه تنها از ارائه تصویری شفاف و قابل سنجش از نامزدهای انتخابات و اهداف و برنامه‌هایشان عاجز است، بلکه مهم‌تر از همه، در پایان عمر یک دولت، بررسی عملکرد دولت و سنجش توفیق یا عدم موفقیت آن را جز با تمسک به آماری که دارای نسبت مبهمی با اهداف و شعارهای از پیش وعده داده شده آن دولت است، غیرممکن می‌سازد.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای فردمحوری این است که در مشارکت سیاسی انتخاباتی انتخاب افراد به جای اینکه بر مبنای برنامه نامزدها صورت بگیرد، براساس تقلید از شخصیت‌ها صورت می‌گیرد و شکل تقلیدی پیدا می‌کند.

۱۴. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که حزب به عنوان گروهی از افراد جامعه است که در سازمانی گرد هم می‌آیند و هدفشان دستیابی مسالمت‌آمیز به قدرت است و دارای کارویژه‌های مختلفی همچون تجمع منافع، ادغام سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، بسیج رأی‌دهندگان، حفظ ثبات سیاسی، آموزش اجتماعی و سیاسی به شهروندان بوده و انتخابات هم به عنوان مهم‌ترین و بارزترین نوع مشارکت افراد در عرصه سیاسی است که از یک سو پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه بوده و دارای کارویژه‌های مختلفی همچون قاعده نمودن انتقال قدرت سیاسی از گروهی به گروه دیگر، مهم‌ترین مجرای تحقق حاکمیت، برگزاری متناوب و منظم و ادواری آن یکی از نشانه‌های بارز مشارکت سیاسی و مردم سالاری است، زمینه‌های لازم را برای چرخش نخبگان در بخش‌های گروه حاکمه به‌طور مستمر

فراهم می‌کند. انتخابات منظم عاملی در فرهنگ‌سازی سیاسی تلقی می‌گردد. انتخابات آزاد و قانونمند به عنوان بارزترین شکل نهادینگی مشارکت سیاسی، عمده‌ترین ابزار ایجاد و حفظ جامعه مدنی به شمار می‌آید. با توجه به اینکه بیش از یکصد سال از تاسیس اولین حزب به معنای امروزی آن در جامعه ایران می‌گذرد و سلسله احزاب متعددی در طول این سده اخیر، رشد و افول کرده است، و برخی از این احزاب هم به نقش‌های تاریخی خواسته و یا ناخواسته‌ای نیز پرداخته‌اند، اما با این حال به دلایلی احزاب نتوانسته‌اند در ایران نهادینه شوند. واژه نهادینه نشدن احزاب دلالت بر این دارد که هیچ یک از افراد جامعه حزب را به عنوان یک نهاد مستحکم اجتماعی قبول نداشته و احزاب نیز توانایی و ظرفیت مدیریت فعالیت‌های انتخاباتی را ندارد و چه از منظر مردم و چه نخبگان و حتی خود نهادهای حزبی مورد پذیرش و اقبال نیستند. با این حال این عوامل را می‌توان در موضوعاتی مانند علل تاریخی و ساختاری، علل اجتماعی، علل فرهنگی، عامل اقتصادی دسته‌بندی کرد که عوامل تاریخی و ساختاری شامل عدم شکل‌گیری احزاب در بستر تاریخی خود، استبداد و ساختار مطلقه قدرت، فقدان تحولات بنیادین در فرامسیون اجتماعی و تقابل میان سنت و تجدد، بدبینی و ناآگاهی نسبت به نقش احزاب، ضعف جامعه مدنی و کم‌تجربگی مشارکت سیاسی و علل اجتماعی شامل فرمایشی بودن احزاب، هیئت‌ها و اجتماعات مذهبی، ضعف و عملکرد دولت، مقطعی، موسمی و مرکزگرا بودن فعالیت احزاب و علل فرهنگی شامل فرهنگ آمریت و قانون‌گریزی، نامداری سیاسی، تفکر شخصی و سلیقه‌ای، اصل ضعف در دستیابی به اجماع نظر و عامل اقتصادی شامل اقتصاد ضعیف دولتی، مشکلات احزاب در تامین منابع مالی خود است. مواردی که به عنوان علل نهادینه نشدن احزاب در ایران بیان شد می‌تواند تاثیری بر انتخابات ایران داشته باشد که در قالب چند سناریو بیان شد: مشارکت سیاسی انتخاباتی از سوی مخالفان به عنوان ابزار نرم مقابله با جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار خواهد گرفت: مشارکت سیاسی انتخاباتی به دلیل عدم آموزش انتخاباتی شهروندان و عدم سازمان‌دهی مناسب منجر به گزینش افراد فاقد صلاحیت‌های لازم خواهد گردید، مشارکت سیاسی انتخاباتی تحت تاثیر نهادهای غیر رسمی و سمن‌های فعال قرار خواهد گرفت که این امر موجب شکاف بین دولت و مردم می‌گردد، مشارکت سیاسی انتخاباتی به دلیل فقدان احزاب مردمی سیر نزولی خواهد داشت که این امر موجب کاهش مشارکت سیاسی انتخاباتی خواهد شد، مشارکت سیاسی انتخاباتی تابع اراده و تبلیغات دولت و شخصیت محوری قرار خواهد داشت و موجب می‌گردد رفتار مشارکتی مردم تقلیدی و تبعی شود.

منابع

۱. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۸). کالبدشکافی حزب در ایران. *زمانه*، شماره ۷۸، ص ۴۱-۳۴.
 ۲. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۸). *علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
 ۳. باقری، محمدحسن (۱۳۹۲). *آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی*. تهران: دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی.
 ۴. خوش‌دهان، علی (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی با تکنیک سناریوسازی*. تهران: دریا.
 ۵. دارابی، علی (۱۳۸۸). انتخابات و روند مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات روابط بین‌الملل*، شماره ۵-۶، ص ۹۵-۱۱۸.
 ۶. دلویی، محمدرضا (۱۳۸۵). *جبهه مشارکت ایران اسلامی*. تهران: نسل کوثر.
 ۷. روحانی‌نژاد، جواد (۱۳۸۳). *نگاهی کوتاه به حزب ایران. تاریخ پژوهی*، شماره ۲۱، ص ۷۱-۶۰.
 ۸. زکی‌زاده، عصمت (۱۳۸۸). *تعاملات احزاب و انتخابات*. تهران: رهنما.
 ۹. ستاری‌خواه، علی (۱۳۹۳). *آینده‌پژوهی و سناریونویسی کاربردی*. تهران: قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء.
 ۱۰. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۱). *روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*. تهران: فرزانه.
 ۱۱. شیرودی، مرتضی (۱۳۸۲). *دوره‌های حزب در تاریخ معاصر ایران. رواق اندیشه*، شماره ۲۵، ص ۵۹-۴۶.
 ۱۲. ظریفی‌نیا، حمیدرضا (۱۳۷۸). *کالبدشکافی جناح‌های سیاسی در ایران*. تهران: آزادی اندیشه.
 ۱۳. عالم، عبدالرحمان (۱۳۹۱). *میانی علم سیاست*. تهران: انتشارات نی.
 ۱۴. عنایتی شبکلائی، علی (۱۳۹۲). *بررسی نظری و عملکردی عوامل سیاسی و رسانه‌ای موثر بر مشارکت مردم در انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری*. *مطالعه انتخابات*، شماره ۶-۵، ص ۱۲۰-۹۹.
 ۱۵. مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۷۸). *احزاب سیاسی ایران*. تهران: رسا.
 ۱۶. مقتدایی، مرتضی (۱۳۹۳). *احزاب سیاسی و انتخابات*. تهران: فروزش.
 ۱۷. میرخلیلی، حسین (۱۳۹۴). *در آمدی بر کاربردهای آینده‌پژوهی در علم سیاست*. فرهنگ پژوهش، شماره ۲۴، ص ۱۵۲-۱۳۵.
 ۱۸. ناظری، محمدرضا (۱۳۸۱). *علل ناکارآمدی احزاب در جمهوری اسلامی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف اسلامی.
 ۱۹. نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱). *احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی*. تهران: گستر.
 ۲۰. هرسیج، حسین (۱۳۸۱). *فراز و فرود فعالیت‌های حزبی در ایران*. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، شماره ۸-۷، ص ۲۶-۶.
 ۲۱. همتی، زهره (۱۳۹۳). *بررسی رویکردهای احتمالی آمریکا به ایران در دهه آینده*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
22. Welschenbach, K. (2010). *Political Parties and party types conceptual Approaches to the Institutionalization of political parties in transitional states: the case of philippines*. Makati City: Konrad-Adenauer-Stiftung.